

تأملی در ادبیات تعلیمی و جایگاه اخلاقی آن

لادن کاردان^۱

چکیده:

اخلاق، در اصل، واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای «سرشت» می‌باشد و این که ردپای آن در ادبیات و در جای‌جای آموزه‌های بزرگان و عارفان، مشهود است، به دلیل اهمیت آن در تعلیم بشر و ضرورت به‌کار بستن این مفاهیم اخلاقی است.

نقش و اهمیت مکارم اخلاق در تعالی معنوی انسان‌ها بر هیچ کس پوشیده نیست؛ همچنان که هدف از بعثت پیامبر نیز تتمیم مکارم اخلاق معرفی شده است. بی‌تردید اخلاق در اسلام دارای اهمیت فراوانی است و علاوه بر این که از ارکان اسلام و در ردیف عقاید و احکام به شمار می‌آید عامل پیوند انسان به پروردگارش نیز می‌باشد و همانا این پیوند مقصود اصلی در ایجاد انسان است. دیگر این که آیین مقدس اسلام در تمام زمینه‌ها جز با شیوه‌ی اخلاقی تمام و کامل نمی‌گردد و نیز این علم از دانش‌هایی است که به انسان و حالات گوناگون او و سایر علوم و معارف انسانی اهتمام می‌ورزد.

در اهمیت علم اخلاق می‌توان گفت که وجود انسان به گونه‌ای ضعیف و ناقص آفریده شده است؛ به گونه‌ای که باید خود ابعاد هستی خویش را شکل دهد و به کمک قدرت اندیشه و اراده‌ی خویش استعدادهای مختلفش را شکوفا سازد و به کمال لایق خود برسد.

بنابراین، در این مقاله به اختصار به بررسی اخلاق و جایگاه آن در ادبیات تعلیمی پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، ادبیات، تعلیم، شاعران، اسلام

تعریف ادبیات:

ادب در مفهوم محاوره‌ای امروزه ارزش‌هایی را شامل می‌شود که نمایان‌گر مفهوم فرهنگ و تمدن بوده است، راه و روش و رفتارهای اجتماعی، هنرهای تهذیبی چون خطاطی یا سخنرانی‌های عمومی و البته فضیلت‌های ادبی را نیز در بر می‌گرفته و می‌گیرد و همچنین حدّ هر چیز را نگه داشتن است که البته کمال مطلوب ادب «اخلاق و معنویات» است. بنابراین، ادبیات آثار نوشتاری هم‌چون رمان، داستان کوتاه، شعر و یا شرح گزارش حوادث روزمره را شامل می‌شود.

در مفهوم گسترده‌تر، ادبیات شامل دعاها و خطابه‌ها، نامه‌ها و وقایع روزانه، گزارش حوادث تاریخی، خاطرات و زندگی‌نامه‌هایی که توسط خود افراد نوشته می‌شوند، نیز می‌باشد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: به هر نوع تلاشی که برای نگه‌داری و ثبت تجارب بشری در قالب کلمات می‌باشد، ادبیات می‌گویند که از آن جمله می‌توان به ادبیات شفاهی اشاره کرد، ادبیاتی که خلق شده‌اند اما به صورت مکتوب در نیامده‌اند ولی برای انتقال به نسل بعد به خاطر سپرده می‌شدند.

متداول‌ترین شیوه‌ی ادبیات شفاهی پیش از ظهور اسلام بوده که شاعران اشعاری در ذهن خود می‌ساختند و سپس آن‌چه را حفظ کرده بودند، می‌خواندند.

قرآن کریم نیز توسط جبرئیل به صورت شفاهی عرضه گردید و پس از چند سال بعد از رحلت پیامبر به صورت مکتوب درآمد. احادیث و سنت پیامبر و امامان شیعه نیز پیش از آن که جمع‌آوری شوند به‌طور شفاهی نقل می‌گردیدند.

قالب‌ها و گونه‌های ادبیات مسلمانان:

ادبیات منثور که شامل افسانه‌ها، داستان‌ها، حکایات، اسطوره‌ها و ... است و ادبیات منظوم که به شکل اشعار عاشقانه، مدح و ستایش، مرثیه و ... ظهور کردند. ادبیات منثور گونه‌های متفاوتی دارد که یکی از ممتازترین نوع آن سجع یا نثر موزون می‌باشد. قرآن ادبیاتی مشابه سجع دارد اگر چه استفاده‌ی این کلمه برای قرآن مقایسه‌ی درستی نمی‌باشد. زیرا قرآن متفاوت با هرگونه اثر ادبی متعارف می‌باشد. (اصل اعجاز قرآن) تأثیر کلمات قرآن در سنت‌های ادبی منعکس شده و به آن‌ها اعتبار و منزلت می‌بخشد.

۱- قرآن: سرآغاز ادبیات مسلمانان به شمار می‌رود؛ سرشار از داستان‌های اخلاقی، حکایات، استعارات و نمادها است و کتاب زندگی برای تمام دوران‌ها می‌باشد؛ در طی قرون الهام بخش نویسندگان، شاعران، عارفان، فیلسوفان و دانشمندان زیادی بوده است.

^۱ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد مشهد Ladankardan56@gmail.com

۲- ادبیات حدیث: حدیث قدسی (احادیثی که پیامبر مستقیماً آن‌ها را به خداوند نسبت داده است).

علم حدیث، اسناد (زنجیره‌ی راویان حدیث) به معنای تصدیق و حمایت کردن است.

۳- زندگی‌نامه‌ها (سیره): گونه‌ی جدیدی از ادبیات که در صدر اسلام به وجود آمد.

۴-

اخلاقیات:

گونه‌ی دیگری از ادبیات نوشتاری با عنوان «ادب» شناخته می‌شود که به رفتار مؤدبانه و پرورش خوب قلمداد می‌شود. این آثار قصدشان این است که فرد را با نزاکت‌تر، با فرهنگ‌تر و آموزش دیده‌تر کند. این آثار شامل حکایت‌ها، نظم، نثر، سفرنامه‌ها، هجونامه‌ها و ... می‌شود.

سفرنامه‌ی ناصر خسرو، سیر و سلوک توسی، دیوان‌های شعر شاعران، سرگذشت‌نامه‌ها، گلستان سعدی، دیوان ناصر خسرو، جنبش روحانی او و سفر برای جست و جوی آن که پایان این جست‌وجو در مصر و در بارگاه مستنصر بالله است و پاسخ سئوالاتش را پیدا می‌کند:

«بر جان من چو نور امام زمان بتافت
لیل‌السرار بودم و شمس‌الضحی شدم»

(دیوان ناصر خسرو)

خواجه نصیرالدین توسی که حاصل جست‌وجوی او تسلیم است:

«علی‌الجملة و التفصیل به این مقدمات و شواهد عقلی و شرعی معلوم و مقرر شد که نهایت مسالک اقدام طالبان راه حق آن است که توفیق یابند تا معلم خود را بشناسند و به معرفت او عارف شوند چنان‌که در فصول مقدس می‌فرماید که خدانشناسی، امام شناسی است. و چون بنده‌ی کمترین به این مقام رسید بدانست که حاصل کار و منتهای طلب تسلیمی است که حاصل مذهب اهل تعلیم است. پس چون آن یگانه را که مرد وقت و امام زمان و معلم تعلیمیان و مظهر کلمه و شخص معرف خدای سبحانه است بشناخت و به معلمی و محقی و حاکمی او قرار داد و به مقام تسلیم رسید اختیار به کل الوجوه از دست او برفت.»

(سیر و سلوک)

مولانا جلال الدین رومی در دیدار با شمس و تحوّل شگرف او از زندگی مادی به روحانی:

«گفت که شیخی و سری، پیشرو و راهبری
شیخ نی‌ام، پیش نی‌ام، امر تو را بنده شدم»

در سلسله‌های متعدد موجود در ایران باستان نیز تعالیم اخلاقی وجود داشته‌اند. سلسله‌ی ساسانیان که بر سر دو راهی میان دنیای یونان و روم از یک سو و چین و هند از سوی دیگر قرار داشت، روزگاری دراز مرکز مبادلات معنوی و مادی بود. تمایلات ایران دوستی که در این دوره حکم‌فرما بود، به کمک همراهی مذهب ملی کشور، آیین زردشت و روحانیون پارسی به وجود آمد، رواج پیدا کرد و این تمایلات در ادبیات پرورش یافت (اینوسترانستف، ۱۳۵۱: ۱۵).

ادبیاتی که جنبه‌ی اخلاقی دارد، شامل تعلیمات اخلاقی، دعوت به کار نیک، اندرزها و رهنمودهایی برای داشتن یک روش صحیح زندگی و همیشه همراه با گفتارهایی درباره‌ی دین و اصول آن است.

این‌گونه نوشته‌هایی را که تعدادشان نسبتاً زیاد است، هندرز (اندرز) یا پندنامک می‌نامیدند. کتاب پندنامک زرتشت شامل دستوره‌های اخلاقی همراه با تعلیمات دینی است (ریپکا، ۱۳۵۴: ۶۸).

بنابراین، رساله‌های اخلاقی و آموزشی به صورت اندرز و وصیت، گروه مخصوصی از آثار ادبی را تشکیل می‌دهد. از بررسی تألیف‌های مشابه در ادبیات ایرانی در دوره‌ی ساسانی می‌توان به چگونگی پیدایش آن پی برد. نمونه‌ای از این نوع اندرزنامه‌ها را که به صورت ادبی تنظیم یافته و مربوط به دوره‌ی قبل از اسلام است، در کتاب عهد اردشیر یا پندنامه‌ی خسرو انوشیروان می‌توان دید (اینوسترانستف، ۱۳۵۱: ۳۴).

اخلاقی که از اندرزنامه‌های کهن نشئت می‌گیرد پیچیده، ظریف و چنان سرشار است که می‌توان مطالعه‌ی مضامین ادبیات فارسی سده‌های نخستین را بر اساس آن استوار کرد. نقش اصلی این مجموعه‌ها، برانگیختن نوعی نگرانی و حدت بخشیدن به آن، بر حذر داشتن وجدان از خواب‌آلودگی و متقاعد کردن آن است به اینکه راحتی و آرامش واقعی در این بیداری است. این اندرزنامه‌ها نقطه‌ی اصلی اندیشه‌ای اخلاقی است که در سراسر ادبیات فارسی به چشم می‌خورد (فوشه کور، ۱۳۷۷، ۲۳).

در تکوین اصول اخلاقی اسلام سه عنصر مؤثر وجود داشته که مورد توجه قرار گرفته است: در درجه‌ی اول اصول اخلاقی مذکور در کتاب مقدس قرآن است. در درجه‌ی دوم یک رشته مدارک اخلاقی که بسیار متنوع و در عین حال مبهم است؛ مانند: امثله، کلمات حکیمانه، حکایات، افسانه‌های منظوم که در حقیقت سلسله‌ای از مطالب اخلاقی فلسفی است که غالباً هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند و از حیث محل و تاریخ پیدایش گوناگون‌اند و در درجه‌ی سوم، سنت اخلاقی یونانی قرار گرفته است (اینوسترانستف، ۱۳۵۱: ۳۰).

از مشخصات بارز شعر کهن فارسی با همه تنوعی که از لحاظ اندیشه و احساس و مشرب گویندگانش در آن وجود دارد، ارزشهای اخلاقی و انسانی است که چنان گهرهای تابناک، جان و دل فضیلت‌جویان هنردوست را تا کنون از فروغ معنوی خود روشنی بخشیده و نوازش کرده و

در طول حیات هزارساله خود راهنمای نسل‌ها و پرورش‌دهنده قرائح و استعدادهایی بسیار بوده است. با نظری گذرا به درونمایه شعر گذشته آشکار می‌شود که در این قلمرو وسیع، ذوق و اندیشه، هرچه مقدس و محترم و والا و زیباست، ستایش شده و از تمامی ناشایست‌ها و ردایل و آنچه موجب سقوط اخلاقی انسان می‌شود، نکوهش و تقبیح به عمل آمده است. (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۶۱).

تجلی روح انسان‌دوستی، اعتقاد به خداوند و مقدسات مذهبی و گرایش به نیکی‌ها و سجایای حمیده‌ای نظیر آزادگی، عدالت‌خواهی، ظلم-ستیزی، جوانمردی، مناعت‌طبع، راستی و واقع‌بینی، احترام به حقوق هم‌نوع، دانش‌آموزی، ایثار و بخشندگی، شکیبایی، شجاعت و ... خلاصه، همه آرمان‌های بلند بشری، از ویژگی‌های معنوی شعر کهن و از مقوله روشنایی‌های آن به شمار می‌رود.

ادبیات اخلاقی موجود در زبان فارسی در چارچوب آنچه ما ادبیات آموزشی نامیده‌ایم، جای می‌گیرد. صورت اولیه بیان اندرز، کلمات قصار است. حکایت نیز یکی از عناصر اساسی آثار اخلاقی فارسی است. هر روایت اعم از داستان و یا قطع‌های عبرت‌آموز از اثری تاریخی از جایگاهی مرکزی در گفتار فرهنگ‌ها برخوردار است. (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۱۰).

یکی از عوامل مهم در تازگی و اصالت فرهنگی ایرانی که اخلاق و نهایتاً نحوه زندگی در آن توجه ما را به خود جلب کرده، پیوستگی آن به گذشته و واکنش نسبت به آن است. می‌دانیم که اندرزنامه‌ها از قدیمی‌ترین صورت‌های آثار اخلاقی است. (همان: ۶).

اندرزنامه صورت اولیه کتابهای اخلاقی در زبان فارسی است البته «اولیه» از لحاظ زمانی؛ زیرا آثار بازمانده همگی متعلق به قرن چهارم/دهم و به ویژه قرن پنجم/یازدهم هستند که در دوره قدیم ادبیات فارسی است. اندرز (پند و نصیحت) نخستین واحد تشکیل‌دهنده اندرزنامه و عملی گفتاری است که حاوی تجربه است (همان: ۱۷).

اخلاقی که از اندرزنامه‌های کهن نشئت می‌گیرد، پیچیده، ظریف و چندان سرشار است که می‌توان مطالعه مضامین ادبیات فارسی سده‌های نخستین را براساس آن استوار کرد. نقش اصلی این مجموعه برانگیختن نوعی نگرانی و حدت بخشیدن به آن، بر حذر داشتن وجدان از خواب-آلودگی و متقاعد کردن آن است به این‌که راحتی و آرامش واقعی در این بیداری است. این اندرزنامه‌ها نطفه اصلی اندیشه‌ای اخلاقی است که در سراسر ادبیات فارسی به چشم می‌خورد. (همان: ۲۳).

از شعر کهن فارسی، روایات نیاکان و اندیشه حکیمان و تحقیق عارفان و خلاصه همه جلوه‌های روح مردم مسلمان ما آشکار است و در آن نمی‌توان به مسائل معینی اکتفا کرد یا در حدود خاصی توقف نمود. حتی فرد فرد شاعران بزرگ ما هم به یک شیوه بسنده نکرده‌اند بلکه میدان‌های مختلف فکری را برای جولان هنرنمایی خود برگزیده‌اند و از همه آنها پیروز بیرون آمده‌اند. در قلمرو گسترده شعر گذشته فارسی، انواع مختلف شعر از غنایی و حماسی و عرفانی و حکمی و داستانی و انتقادی و جز آنها هر یک به تنهایی برای نشان دادن عظمت کار گویندگان ایرانی کافی شمرده می‌شود. (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۶۲).

کلیله و دمنه از دیگر آثار داستانی است که سرشار از پند و عبرت و حکمت است. این اثر گرانبها را رودکی به نظم و ابوالمعالی نصرالله منشی به نثر فصیح و زیبای فارسی در آورده است. موضوع کتاب داستان‌هایی عبرت‌آمیز است از زبان حیوانات به ویژه دو شغال به نام‌های «کلیله» و «دمنه» و در جای‌جای آن عبرت‌های اخلاقی به چشم می‌خورد.

حماسه‌های عرفانی: نظامی بزرگ در مثنوی مخزن‌الاسرار نشان داد که بدون راه داشتن به دربار هم می‌توان شاعر بزرگی بود. وی با توجه به مضامین اخلاقی، تأثیرات انکارناپذیری بر شعر فارسی گذاشت و ثابت کرد که شاعر می‌تواند چیزهای دیگری به جز مدح و توصیف را در شعرش مطرح کند.

نظامی پیش از این همچون شاهد آگاه فرهنگی که پیام ادبیات اخلاقی زبان فارسی را عمیقاً درک و جذب کرده است، نموده شد. او نمی‌کوشد این پیام را از طریق تکرار منتقل کند بلکه به گونه‌ای مستقلانه و به دلخواه این پیام را تجربه می‌نماید و در آن زندگی می‌کند؛ لذا جز آنچه را که می‌زید و درمی‌یابد، بر زبان نمی‌آورد. (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۳۶۴).

تا ز تو خشنود شود کردگار

عمر به خشنودی دلها گذار

سنایی از دیگر شاعرانی است که می‌توان در آثارش مضامین اخلاقی را به وضوح مشاهده کرد. کتاب «سیرالعباد الی المعاد» به شیوه تمثیل و به موضوعات اخلاقی پرداخته است. در دیگر آثار سنایی همچون «مثنوی عشق‌نامه» نیز می‌توان مفاهیمی پیرامون موعظ و حقایق و حکم پیدا کرد. وی در قصاید خود نیز برخلاف غزلیاتش به زهد و حکمت و مضامین اخلاقی روی آورده است.

اخلاق سنایی اخلاقی است مبتنی بر قطع آشکار پیوند از علایق دنیوی که سرمنشأ آن در تنزیه و در درجه اول دستیاب‌ترین قدرت و استعداد انسان یعنی عقل را به کار می‌گیرد و این امر ما را به گرمی‌ترین مفهوم اخلاق سنتی رهنمون می‌گردد. (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۳۳۹).

هدف اصلی مکاتب تربیتی، دینی و عرفانی فراهم کردن زمینه‌های تحول روحانی انسان است که با شناخت آلودگی‌ها و بیماری‌های نفسانی و از بین بردن آنها و تجلی انوار الهی در وجود انسان هدف تربیتی آنان محقق می‌شود. چنین تربیتی، ساده و سطحی نیست و تمامی جنبه‌های وجود انسان را در بر می‌گیرد و به حرکت و تحولی همه‌جانبه نیاز دارد. بنابراین، در تربیت عرفانی علاوه بر ظاهر و رفتارهای ظاهری،

باطن و زوایای پنهان آن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین سبب، عارفی چون مولانا در تعالیم تربیتی خویش، همانند یک عالم تربیتی و یک روانشناس حاذق به درمان بیماری‌هایی می‌پردازد که در لایه‌های زیرین باطن آدمی ریشه دوانده‌اند. (احمدیان، ۱۳۸۷: ۱۵).

مولانا جلال الدین محمد مولوی فروزان‌ترین ستاره آسمان ادب عرفانی فارسی که شعرش از کانون معارف قرآنی و اصول اسلامی استزائه می‌کند و از دلی پاک و ضمیری روشن برمی‌آید. از میان آثار مولانا مثنوی معنوی که آکنده از آیات قرآنی، احادیث نبوی، لطائف عرفانی، سخنان اولیا و مشایخ و دستورالعمل‌های اخلاقی و اجتماعی است که با بیانی ساده و روان و در قالب داستان‌هایی دلکش و آموزنده به رشته نظم کشیده شده است. مثنوی معنوی در باب اخلاق و تربیت نکته‌سنجی‌های فراوان دارد. مولانا سرچشمه همه خوشی‌ها را جان می‌شمارد و لذات معنوی را بر لذات جسمانی ترجیح می‌دهد و در طریقت، ریا و خودپرستی را به مثابه بند و زنجیری آهنین می‌شناسد که مانع سیر در مدارج کمال می‌شود و حتی علم و دانش را اگر سبب مزید عجب و پندار شود، فضیلت نمی‌شمارد بلکه حجاب راه می‌داند. بنابراین، اخلاص و پاکی نیت را هم در علم و هم در عمل لازم می‌داند. (رزمجو، ۱۳۸۲: ۳۷۶).

تعلیمی: از اواخر قرن پنجم/ یازدهم، تدوین سلسله درخشانی از رسائل اخلاق سنتی آغاز می‌شود که همگی ریشه در اخلاقیات اندرزنانه‌ها دارند. در این رسائل نقش ادبی رفته رفته گسترش می‌یابد و در آثار سعدی به اوج می‌رسد. (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۵).

مصلح، ملقب به مشرف‌الدین و مشهور به سعدی در عرصه نظم و نثر جزو کسانی است که به بعد اخلاق توجه ویژه‌ای داشته است. مضمون بوستان سعدی، که اولین اثر مدون وی و جزو شاهکارهای بی‌رقیب شعر فارسی است، اخلاق و تربیت و سیاست و اجتماعات است که در ده باب گردآوری شده است. گلستان نیز گرچه هشت باب مختلف و یک مقدمه دارد اما مضمون اصلی تمام باب‌های آن اخلاق است و بس. سعدی توانسته است اثری کاملاً شخصی در بهترین سنت رساله‌های اخلاقی فارسی پدید آورد. وی مردی اخلاقمند است که سخنانش در نقطه مقابل دیگران قرار دارند.

در باره شیوه کلی سعدی در تعالیم تربیتی او آورده‌اند که سعدی ضمن حکایات و اشعار خود از طریق تحلیل رفتار اخلاقی انسان و تأثیر آن در رشد و تکامل فرد در بالاتر بردن سطح معرفت اخلاقی و همچنین اصلاح رفتار افراد اقدام می‌کند. (احمدیان، ۱۳۸۷: ۱۹).

حکایات ادبیات فارسی بدون شک بهترین نمونه برای پی بردن به آگاهی‌ای است که نویسندگان از خود و از موقعیت اخلاقی زمانه خود داشته‌اند. فصاحت و بلاغت حکایات و سخنان سعدی بوده که زندگی اخلاقی چندین نسل را تحت تأثیر قرار داده است. (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۱۰)

گلستان او، که به شیوه‌های هنرمندانه، آمیخته به شعر و توأم با حکایات جالب در هشت باب نگاشته شده، در واقع تصویری از دنیای واقعیت‌هاست. در این کتاب، چهره اخلاقی و روحی انسانها آنچنان که هستند نه آنچنان که باید باشند، استادانه نگارگری شده و زشتی‌ها و زیبایی‌های موجود در جوامع بشری و تناقضات و تضادهایی که در جهان‌بینی و طرز تفکر و دلبستگی‌های طبقات و افراد مختلف وجود دارد، موشکافانه تفسیر گردیده و در قالب داستان‌هایی دل‌انگیز و مزین به آیات قرآنی و احادیث نبوی و همراه با اشعار فارسی و عربی و نکته‌های دقیق حکمی و عرفانی در نهایت بلاغت مدون شده است.

سعدی نسبت به خلق جهان مشفق و مهربان است. او مبشر صلح و بشردوستی است و چون کرامت انسان و آزادی او در نظرش اهمیت فراوان دارند، غایت آرزویش تفاهم میان ملت‌ها و از بین رفتن خصومت‌ها و کدورت‌ها از جوامع انسانی است و در این ارتباط با احساس مسئولیت و غمخواری نسبت به ناتوانان و بیچارگان، خطاب به مصلحان و خیراندیشان، توصیه‌هایی این چنین دارد که در باب اول گلستان می‌خوانیم:

نشاید که نامت نهند آدمی

تو کز محنت دیگران بی غمی

تاریخی: تاریخ بیهقی اثر ارجمند ابوالفضل بیهقی تاریخ حکومت غزنویان به خصوص سلطان مسعود را بیان می‌کند و پر است از اندرز و عبرت و سخنان خردمندان که خواننده را متوجه می‌کند تا در آنچه خوانده است دقت کند و ذهن خویش را برای دریافت نتایج اخلاقی به کار اندازد و از بین نیک و بد یکی را برگزیند.

«... و هر بنده که خدای عزوجل او را خردی روشن عطا داد و با آن خرد که دوست به حقیقت اوست، احوال عرضه کند و با آن خرد، دانش یار شود و اخبار گذشتگان را بخواند و بگردد و کار زمانه خویش نیز نگاه کند، بتواند دانست که نیکوکاری چیست و بدکرداری چیست، سرانجام هر دو خوب است یا نه و مردمان چه گویند و چه پسندند و چیست که از مردم یادگار ماند نیکوتر...» (بیهقی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

شعر مکتبی: ناصر خسرو قبادیانی نخستین گوینده‌ای است که شعر را به طور کلی در خدمت فکر اخلاقی و اجتماعی و در مسیر اندیشه مکتبی قرار داده است. در سرتاسر اشعار او حتی یک بیت وصف معشوق و مدح و توصیف وجود ندارد. تمام اشعار وی در



حقیقت جویی، کمال انسانی، علم و اعتقاد خلاصه می‌شود. شعر او مدح و هزل و غزل نیست، حکمت و تحقیق است. به اعتقاد وی آدمی باید دل را که تجلی گاه انوار الهی و کعبه حقیقی است، به نور عرفان صفا بخشد و لحظه‌ای از خدای غافل نباشد و در همه امور بر او توکل کند.

ای روی داده صحبت دنیا را / شادان و برفراشته آوا را

(ناصرخسرو، قصیده، ۷۷: ۱۶۶)

ناصرخسرو تنها شاعری است که شعر را وسیله‌ای برای تبلیغ و ترویج افکار دینی و اخلاقی قرار می‌دهد و به تعبیر خودش «به یاری سپاه دین و سپهر خرد»، مبارزه‌ای نستوه را در برابر «لشکر زمانه و تیغ تیز دهر» آغاز می‌کند و به اتکای مکتب خاص خود و احساسات ملت‌هپی که از مایه مذهب و ارادت به خاندان پیامبر(ص) سرچشمه می‌گیرد، از شعر همچون سلاحی مؤثر در جهت پیکار با جهل بی‌دینی و بی‌خردی سود می‌جوید. خطوط برجسته شعر ناصر خسرو را دین و اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی تشکیل می‌دهد. فضیلت جویی و تعهد اخلاقی و مذهبی در سراسر اشعارش مشهود است و بلندی همت و مناعت طبع و بی‌اعتنایی به زر و زور و زخارف دنیوی از سخنانش پیداست. (رزمجو، ۱۳۸۲: ۳۷۲)

مکر و حسد و کبر و خرافات و طمع را / مپذیر و مده ره به در خویش و حوالی

(ناصرخسرو، قصیده ۲۱: ۴۳)

نتیجه:

با توجه به موارد بالا و دیگر تحقیقات در کتب نامدار ادب فارسی، می‌توان چنین برداشت کرد که از روزگاران دیرین تاکنون، اخلاق نقشی اساسی در ادبیات ما داشته و از موضوعات محوری رشته‌های مختلف ادبیات همچون داستان و شعر بوده است. امروزه نیز می‌توان تجلی اخلاق را در آثار شاعران و نویسندگان معاصر کشور مشاهده کرد ولی به جهت طولانی شدن مطلب از آوردن آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

منابع

۱. ابن مسکویه، احمد بن محمد؛ تهذیب الاخلاق؛ مترجم: علیاصغر حلبی، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۱.
۲. احمدیان، سکینه؛ پژوهشی پیرامون جایگاه تربیت و اخلاق در اسلام با تکیه بر آثار مولانا و سعدی، چاپ اول، تهران، انتشارات لوح زرین، ۱۳۸۷.
۳. آرچانی، فرامرزن خداداد بن عبدالله الکاتب؛ سمک عیار، با مقدمه و تصحیح پرویز نائل خانلری، ج اول، تهران؛ انتشارات آگاه، ۱۳۶۲.
۴. اخوت، افسانه، تجلی اخلاق در ادبیات، یکم تیرماه ۱۳۹۲
۵. امید، مسعود؛ درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران؛ تبریز، مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز، ۱۳۸۱.
۶. ایرانی، دین شاه، اخلاق ایران باستان؛ چ پنجم، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۶۱.
۷. اینوستراتنسف، کنستانتین؛ تحقیقاتی درباره ساسانیان، مترجم: کاظم کاظمزاده؛ تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱.
۸. بهار، محمدتقی؛ سبکشناسی، ج. ۱ و ۲، چ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
۹. بیهقی دبیر، ابوالفضل محمد بن حسن؛ تاریخ بیهقی، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات مهتاب، ۱۳۸۶.
۱۰. حافظ شیرازی، شمسالدین محمد؛ دیوان حافظ، از نسخه غنی و قزوینی، چاپ اول، سمنان، انتشارات خلاق، ۱۳۷۸.
۱۱. رزمجو، حسین؛ نقد و نظری بر شعر گذشته فارسی از دیدگاه اخلاق اسلامی، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۲.
۱۲. ریپکا، یان؛ تاریخ ادبیات ایران، مترجم: عیسی شهبانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴.
۱۳. سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله؛ گلستان، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ هفتم، تهران، انتشارات صفی علیشاه، ۱۳۷۱.
۱۴. _____؛ بوستان؛ به کوشش غلامحسین یوسفی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۲.
۱۵. طوسی، ابوجعفر بن محمد بن حسن؛ اخلاق ناصری، چاپ ششم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۷.
۱۶. فردوسی طوسی، ابوالقاسم؛ شاهنامه، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ نهم، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۷.
۱۷. فوشه کور، شارل - هنری دو؛ اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی، چ اول، مترجمان: محمدعلی امیر معزی و عبدالحمید روح بخشان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران، ۱۳۷۷.
۱۸. فیض کاشانی، محسن؛ اخلاق حسنه، مترجم: محمدباقر ساعد خراسانی، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۵.
۱۹. مصباح، محمدتقی؛ دروس فلسفه اخلاق، چاپ اول، قم، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۶۷.
۲۰. مظاهری، حسین؛ کاوشی نو در اخلاق اسلامی، چ اول، مترجم: محمدرضا آذیر، تهران، نشر ذکر، ۱۳۸۸.
۲۱. ناصرخسرو قبادیانی، ابومعین؛ دیوان ناصر خسرو، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
۲۲. نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف؛ مخزن الاسرار، به کوشش برات زنجانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.